



سخن نخست

نویسنده: یزدان پناه، سید یدالله

ادیان و عرفان :: حکمت عرفانی :: بهار 1391 - شماره 3

از 5 تا 8

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/995916>

دانلود شده از : مرکز راهبردی جبهه فکری انقلاب اسلامی

تاریخ دانلود : 1393/05/05 11:10:24

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

سخن نخست

عرفان اسلامی بسان جریان فرهنگی پرتوان، با مشایخ برجسته و بی نظیر، و انبوهی از آموزه‌های عرفان همچون عشق، کشف، معرفت، فنا، لقا، وحدت شخصیه در پردازش نخستینش و مقامات و منازل پرشمار، در سده سوم هجری بیش از پیش ظهور کرد.

این جنبش معنوی، ریشه در سده‌های پیشین داشت. ما در سده نخست هجری، افزون بر رسول اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام که پیشوای حقیقی عارفان در همه اعصارند - با شخصیت‌های عرفانی همچون سلمان فارسی، اویس قرنی، کمیل نخعی، رشید هجری و جابر جعفی روبرویم که به گفته علامه طباطبایی در پایان فصل نخست رساله الولاية، اصحاب سرّ اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آیند. وجود چنین شخصیت‌هایی گواه آن است که این جنبش معنوی به برکت اهل بیت علیهم‌السلام از همان سده نخست شکل گرفته است.

عرفان اسلامی در سده دوم، با به صحنه آمدن شخصیت‌هایی چون ابوحمزه ثمالی، جابر حیان، شفیق بلخی، فضیل عیاض، معروف کرخی و رابعه عدویه به صورت جریان فرهنگی مستقلی در برابر دیگر جریان‌های فرهنگی آن دوران بروز کرد و در سده سوم رشد فزاینده‌ای یافت. این رشد فزاینده، از حیث آموزه‌ها و حقایق و معارف در سده سوم، پژوهشگران غربی تاریخ عرفان اسلامی را بر آن داشت که به ریشه‌ها و خاستگاه‌های عرفان اسلامی باندیشند و در این امر تأمل کنند که آیا تصوف اسلامی از منابع بیگانه تغذیه کرده است یا در اسلام ریشه دارد؟ و این همه گستردگی و ژرفا، از کجا نشئت گرفته است؟

شرق‌شناسان، از اوایل سده نوزدهم میلادی درباره خاستگاه عرفان اسلامی به پژوهش پرداختند. در پژوهش‌های نخستین، خاستگاه عرفان اسلامی را بیشتر در عرفان‌های هندی، مسیحی، گنوسی و نوافلاطونی جست‌وجو می‌کردند؛ ولی با پژوهش‌های دامنه‌دار به اثبات رسید که خاستگاه اصیل عرفان

اسلامی، اسلام و قرآن است. از سوی دیگر، پژوهشگران مسلمانی همچون شهید مطهری، عبدالرحمن بدوی، جلال‌الدین همایی و زرین‌کوب نیز خاستگاه عرفان اسلامی را کتاب و سنت دانسته‌اند.

با این حال، این واقعیت تاریخی را نیز باید در نظر داشت که عارفان مسلمان در طول سده‌های بعدی بر اثر آشنایی با نحله‌های گوناگون فکری (اعم از اسلامی و غیراسلامی) و با جذب عناصری از آن نحله‌ها که با ساختار معرفتی و بینشی آنان سازگار بود، بر غنای سنت خود افزودند؛ به‌ویژه از زبان فنی دقیق‌تر و شایسته‌تری در تبیین آموزه‌های عرفانی سود جستند. این تأثیرپذیری که در جنبه‌های دیگر فرهنگ اسلامی نیز در سده‌های نخست پیدایش آن رخ داده است؛ نشانه‌ای از غنای سنت عرفانی است که توانست در برابر فرهنگ‌های بیگانه، به‌طور فعال به گزینش عناصر مطلوب و طرد عناصر نامطلوب فرهنگی دست زند و با بهره‌مندی از آنها، بر بالندگی خود بیافزاید. چنین امری، در اصالت فرهنگی عرفان اسلامی ریشه دارد که به‌مدد شریعت و شهود توانسته است از پایگاه مستقل و سنت روحی و معنوی و فکری خود، به نقد موشکافانه و گزینش و طرد آگاهانه آموزه‌ها بپردازد.

این ادعا که عرفان اسلامی در قرآن و سنت ریشه دارد، با شواهد متعددی همراه است: شاهد نخست، تصریح و پافشاری مشایخ عرفان در طی سده‌ها، به‌ویژه سده‌های نخستین بر این امر است. عارفان بارها به زبان آورده‌اند که حقایق سلوکی و معرفتی را در سایه تأمل و تدبیر معنوی در کتاب و سنت و عمل به دستورات دینی یافته‌اند. جنید بغدادی (م ۲۹۷) گوید: «این راه کسی رود که کتاب خدای عزوجل بر دست راست گرفته باشد و سنت مصطفی بر دست چپ گرفته و به روشنایی این دو شمع می‌رود تا نه در مغاک شبهت افتد و نه در ظلمت بدعت». همو گوید: «شیخ ما در اصول و فروع و بلا کشیدن، امیرالمؤمنین علی (ع) است». وی گفته است: «این علم عرفان ما مقید به کتاب و سنت است». ابوسلیمان دارانی (م ۲۱۵) گفته است: «چه‌بسا نکته‌ای از نکات عرفا روزگاری در دلم بود؛ آن را نمی‌پذیرفتم مگر به دو شاهد عدل که همان کتاب و سنت است». تستری (م ۲۸۳) گوید: «هر وجدی که کتاب و سنت بر آن شهادت ندهد، باطل است».

شاهد دوم، وجود نکات عرفانی بسیار در آیات و روایات است که در فکر و ذهن و جان هر مسلمان حضور دارد. ابعاد معنوی، سیر و سلوکی و معرفتی در شریعت به‌اندازه‌ای است که هر تشنه معنویتی را سیراب می‌کند. به گفته شهید مطهری در کتاب **علوم اسلامی**: «مایه‌های اول اسلامی بسی غنی‌تر است از آنچه این گروه به جهل یا به عمد فرض کرده‌اند. نه توحید اسلامی به آن سادگی و بی‌محتوایی است که اینها فرض کرده‌اند؛ و نه معنویت انسان در اسلام، منحصر به زهد خشک است؛ و

نه نیکان صحابه رسول اکرم ﷺ آن چنان بوده‌اند که توصیف شده؛ و نه آداب اسلامی محدود است به اعمال جوارح و اعضا».

آموزه‌های فراوانی مانند مجاهده با نفس، تزکیه نفس، عبادت احرار، قرب نوافل و فرایض، لقای الهی، رضوان حق، کمال انقطاع الی الله، شهود دل، ولی خدا و مقرب درگاه دوست شدن و نیز آیت بودن هستی برای حق، قرب و ریدی خداوند به اشیا، احدیت ذات و واحد قهار بودن خداوند، بینونت وصفی نه عزلی، و حصر ظهور و بطون در خداوند، می‌توانست الهام‌بخش معنویتی عظیم و گسترده شود.

شاهد سوم، بررسی دقیق و استقرای متون و سخنان و احوال عرفای اسلامی در سده‌های نخستین است که ما را از نظرگاه تحقیقی، به خاستگاه اسلامی عرفان راهنمایی می‌کند. این روش از شاهد دوم کمی فراتر رفته و آنچه را بر وجدان و شهود علمی به دست آمده است، به‌طور مستند برای همگان قابل ارائه می‌کند. این روش را *پل نوین* با دقت و از سر حوصله در کتاب **تفسیر قرآنی و زیان عرفانی** پی گرفت که از جهتی مرحله نوینی در مطالعات عرفان اسلامی است.

وی بر این باور است که به‌لحاظ پژوهش تاریخی می‌توان اثبات کرد که واژگان و تحلیل عارفانه، نخست از تأمل در قرآن و تفسیر آن برحسب تجربه معنوی آغاز شده و در دل تأویل عرفانی و تفسیر باطنی، اندک‌اندک زبان عرفانی و اصطلاحات خاص، مناسب با مقتضیات تحلیل شکل گرفته است. وی به‌مدد متونی که از عرفای سده‌های نخستین به دست آورد، توانست چنین امری را اثبات کند که در حقیقت، عارفان در پی تأمل و تدبیر در قرآن به‌همراه شهود، به چنین فضای معنوی رهنمون شده‌اند.

به‌هرروی، یکی از ثمره‌های قرآن و سنت در طی قرون و اعصار، عرفان اسلامی است. همان‌گونه‌که انتظار می‌رفت، معنویت ژرف و توحید ناب و متعالی در بطن اسلامی شکوفا شد و به‌گونه‌ای گسترده شکل گرفت و توانست بخشی از آنچه در اسلام نهاده شده است را نشان دهد. بی‌گمان می‌توان از عرفان اسلامی به بُعد معنوی اسلام یاد کرد. امید می‌رود از این پس نیز عرفان اسلامی هرچه بیشتر گوهرهای ناب موجود در دین مبین اسلام را به چشم آورد.

سردبیر



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی